

باز شناسی نقش نیلوفر آبی (لوتوس) در معماری معناگرا در کشورهای شرق

نیلوفر مصلی نژاد*^۱

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، موسسه آموزش عالی غیر انتفاعی اندیشه چهارم
(Mosallanejadnilufar@gmail.com)

خلاصه

نیلوفر آبی (لوتوس) به عنوان یک نماد فرهنگی و معنوی در کشورهای شرق، به ویژه در فرهنگ‌های آسیایی، دارای اهمیت ویژه‌ای است. این مقاله به بررسی نقش نیلوفر آبی در معماری معناگرا می‌پردازد. نیلوفر آبی، که در ایران باستان اهمیت ویژه‌ای داشته و با نام‌های لاله مردابی و لوتوس نیز شناخته می‌شود، در هنر، ادبیات و معماری به عنوان نمادهایی از پاکی، روشنائی، تولد دوباره و تعالی روحانی مطرح است. این گل در تمدن‌های شرقی به عنوان نماد باروری، قدرت، حمایت از موجودات زنده، صلح، زیبایی و عشق شناخته می‌شود و به همین دلیل در معماری معناگرا جایگاه ویژه‌ای دارد. هدف این پژوهش، کاوش در نقش و جایگاه نیلوفر آبی از منظر معماری معناگرایانه است. نیلوفر آبی به عنوان نمادی از پاکی و تجدید حیات، در طراحی فضاهای مذهبی و عمومی به کار می‌رود و به ایجاد حس آرامش و تأمل کمک می‌کند. نمونه‌های متعددی از معماری وجود دارد که نیلوفر آبی در آن‌ها به کار رفته است، از جمله معابد بودایی و هندو و باغ‌های سنتی ایرانی. در این مقاله سعی شده با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای، و تحلیل نقش لوتوس در معماری و همچنین به ارائه نمونه‌های تصویری پرداخته و سپس به نقش لوتوس در معماری و سپس به تحلیل مفهوم نقش لوتوس در معماری معناگرا و تأثیر بسزای آن بر ذهن و ناخودآگاه بشر پرداخته‌ایم.

کلمات کلیدی: نیلوفر آبی، لوتوس، معماری معناگرا

مقدمه

نیلوفر آبی یا لوتوس، به عنوان یک نماد فرهنگی و معنوی در بسیاری از کشورهای شرق، به ویژه در فرهنگ‌های آسیایی، دارای اهمیت ویژه‌ای است. این گل زیبا نه تنها در هنر و ادبیات، بلکه در معماری نیز نقش بسزایی ایفا کرده است. در این مقاله به بررسی نقش نیلوفر آبی در معماری معناگرا در کشورهای شرق پرداخته می‌شود وجود گیاهان به عنوان یک عنصر اصلی تزئینی در معماری و هنر دوران مختلف زندگی بشر از باستان تا قرن حاضر سئوالات بسیاری را در ذهن هر انسانی به وجود می‌آورد که چرا این گیاهان این چنین مورد توجه قرار گرفته‌اند، مبدأ و منشأ آن‌ها از کجا بوده و فلسفه‌ی وجودی آنچه

بوده است. در میان این نمادهای گل مانند، نشانه‌ای وجود دارد که به‌طور پیوسته در کل هنر و اسطوره‌شناسی مشرق زمین تکرار شده است، این گل، (نیلوفر آبی، لوتوس یا سوسن شرقی) هست و نیلوفر آبی (لوتوس) به عنوان نمادی مقدس و باستانی در فرهنگ و هنر کشورهای شرق جایگاه ویژه‌ای دارد. این گل با مفاهیم عمیق معنوی مانند پاکی، روشنایی، تولد دوباره و تعالی روحانی پیوند خورده است. حضور نیلوفر آبی در معماری کشورهای مختلف نشان‌دهنده اهمیت آن در فضاهای معنوی و مذهبی است. این گل در ضمیر ناخودآگاه انسان ریشه دارد و نماد ارتباط بین دنیای خدایان و انسان‌هاست. در ایران باستان، نیلوفر آبی نمایانگر مشقت و رنج انسان‌ها بوده و به توصیف افرادی که به‌سوی آرامش حرکت می‌کنند، استفاده می‌شده است. این گل با طلوع و غروب آفتاب باز و بسته می‌شود و به همین دلیل مظهر خورشید و مرتبط با میتراست. برای آریایی‌ها، نیلوفر آبی نماد جاودانگی و پیدایش مینوی است و به عنوان نماد پاکی و تهذیب نفس، جایگاه رفیعی دارد. لوتوس در ایران نماد نور است که از جایگاه رفیع برخوردار است. نماد «آناهیتا (ایزد آب‌های روان) و میترا (خدای روشنایی) در ایران باستان، لوتوس بوده است. لوتوس عنصر اصلی تزئین در معماری و هنر دوران مختلف تاریخ ایران بوده است. هخامنشیان که به میترا دل‌بستگی فراوان داشتند از شاخه، گل و برگ نیلوفر که نماد میترا است در آرایش ساختمان‌های تخت جمشید سود بسیار برده‌اند، به‌عنوان نمونه در تصاویر و نقش برجسته‌های تخت جمشید لوتوس زینت‌بخش تمدن هخامنشیان است.

روش پژوهش

در این پژوهش به دنبال مهمترین فاکتورها با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و اطلاعات مورد نیاز نیز پس از جمع‌آوری مبانی نظری مورد نظر از طریق کتابخانه ایدسته‌بندی شده در نهایت با هدف بازشناسی نقش نیلوفر آبی (لوتوس) در معماری معناگرا در کشورهای شرق به ابعاد مختلف و عوامل تشکیل دهنده آن می‌پردازیم.

مبانی نظری

نیلوفر آبی

نیلوفر آبی به‌عنوان گلی که علیرغم موانع و در شرایط بسیار نامناسب در آب‌های گل‌آلود به وجود می‌آید، بی‌آنکه کوچک‌ترین اثری از گل و الی و آلودگی را به خود بگیرد، به رشد خود ادامه می‌دهد. نیلوفر، نماد کمال است؛ زیرا برگ‌ها، گل‌ها و میوه‌هایش دایره‌های شکل‌اند. ریشه نیلوفر در خاک و لجن است و ساقه آن در آب‌های تیره، ولی تاج آن به‌طرف خورشید حرکت می‌کند؛ بنابراین مظهر همه روشنفکری‌ها، آفرینش، باروری، تجدید حیات و بی‌مرگی است. این یعنی شکفتن معنوی و به همین دلیل، نیلوفر به‌عنوان سمبل زیبایی و نماد کمال شناخته می‌شود. ریشه‌های آن مظهر ماندگاری و ساقه‌اش نماد بند ناف است که انسان را به اصلش پیوند می‌دهد و گلش پرتو خورشید را تداعی می‌کند و غنچه‌ی آن، مترادف با تخم کیهان است، باز و بسته شدن آن در سپیده‌دمان و هنگام غروب، خورشید و منبع الهی نور و حیات را تداعی می‌کند (آلن گر بران، ۱۳۸۷).

«نیلوفر نماد انسان فوق‌العاده یا تولد الهی است؛ زیرا بدون هیچ ناپاکی از آب‌های گل‌آلود خارج می‌شود. ایزدان از نیلوفر بیرون می‌آیند؛ یعنی جهان از عنصر آبی باوجود آمده است (کوپر، ۱۳۸۶: ۳۷۱). از سوی دیگر، نیلوفر گلی رمزی است که ریشه‌هایش در زمین فرورفته، ساقه‌اش در آب راست روئیده و در هوا قد کشیده، روی به‌سوی خورشید دارد و می‌توان آن‌ها نمادی از چهارعنصر، یعنی طبیعت و ادوار آن همچون چهار جهت فضا- دانست (گرگوریچ الکونین، ۱۳۵۰: ۲۳۶). بر این اساس، گل‌ها در اساطیر ایران تصویری از مادینه هستی، آفرینش و خلوص تجسم یافته هستند؛ خصوصاً گل نیلوفر که عالم

اکبرند. در اساطیر کهن ایرانی نیلوفر گل ناهید به شمار می‌رفته و ناهید تصوّر اصلی ما دین‌هستی در روایات دینی ایران قدیم بوده است که از جهانی با معتقدات هندیان باستان مشابه است (هال، ۱۳۸۹: ۳۰۹). نیلوفر آبی به‌عنوان نمادی از پاکی، زیبایی و تجدید حیات شناخته می‌شود. در بسیاری از فرهنگ‌ها، این گل به‌عنوان نمادی از روشنایی و آگاهی مطرح است. در دین‌های مختلف، به ویژه در بودیسم و هندوئیسم، نیلوفر آبی به‌عنوان نمادی از روشنایی معنوی و بیداری روحی شناخته می‌شود.

نیلوفر آبی در باور و هنر عصر هخامنشیان امپراتوری هخامنشیان

گل نیلوفر به دلیل گستره وسیع معانی و جامع الطّرفین بودن مفاهیم وابسته به خود در اعتقادات، آداب و رسوم، سنن و هنرهای تزئینی اعم از معماری یا نقوش برجسته و طرح‌های درهم‌تنیده در ظروف یافت شده از دوره مورد مطالعه، اهمیت فراوان دارد. برای مثال روز ششم تیرماه جشنی در ایران باستان به‌عنوان جشن نیلوفر برگزار می‌شده است. «... این روز شست‌وشو و تبرک و تقدیس آب معمول بوده و شاید بر اثر اهمال در حساب و شمار روز و ماه با جشن تیرگان قرابتی داشته و یا به‌احتمال مقدّمه جشن تیرگان بوده باشد (رضی، ۱۳۵۸: ۳۷۹). گل نیلوفر یکی از نمادهای مهم عصر و به دلیل نوع حیاتش که ریشه در آب به‌عنوان سرچشمه حیات دارد، با آن‌اهیتا و آئین مهری نیز رابطه‌ای ناگسستنی در فرهنگ نمادهای ایران پیدا کرده است. شایان‌ذکر است که گل نیلوفر در اعتقادات مذهبی زرتشتیان و مهرپرستی مشترک است. در دین زرتشت نیز اهورامزدا نیم‌تنه مردی است که شاخه‌ای از گل لوتوس را در میان انگشتان خود گرفته است (یاحقی، ۱۳۸۶: ۸۱۴). گیاهی که درخور نگهداری فرسوشیانس در دریاچه باشد، همان گل نیلوفر است. بستگی مهر با نیلوفر در داستان جشن مهرگان آمده است که موبد موبدان در خوانچه‌ای که روز جشن نزد شاه می‌آورد، گل نیلوفر قرار می‌داد (مقدم، ۱۳۸۸: ۴۵). گل نیلوفر و جایگاه آن در هنر عصر هخامنشی را می‌توان به دو بخش معماری و ظروف به‌دست‌آمده از آن دوران تقسیم کرد. تخت جمشید به‌عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اثر به‌جامانده از آن دوره، انواع متفاوتی از تزئینات را در معماری خود دارد. گل نیلوفر یکی از آن جمله تزئینات به شمار می‌آید. البته این گل به شکل‌های متفاوتی در معماری آن دوره بروز و ظهور کرده است. کاربرد این گل را به‌ویژه به‌عنوان یک نماد خاص باید در جایگاه آن در باور دینی هخامنشیان، آئین مهری و آن‌اهیتا دانست. از بارزترین و زیباترین نقشه‌ای گل نیلوفر در تخت جمشید، وجود این گل در دست نجیب‌زادگان است که در تخت جمشید به تصویر کشیده شده است. وجود این گل در دست نجیب‌زادگان نشانه صلح و دوستی است..



تصویر ۱: گل نیلوفر در دست داریوش (منبع: مقدم، ۱۳۸۸).

حجاری گل نیلوفر در تخت جمشید نشانه‌ی احترام و نماد تمدن هخامنشیان بوده است؛ چنانکه حضور این گل در دست داریوش خود گواه جایگاه و مرتبه خاصی است که این نماد در باور ایرانیان داشته است. حضور این لوتوس واژگون در ستون‌های عظیم تخت جمشید به عینیت این معنا را به خوبی و سادگی اثبات می‌کند که معماران و طراحان ایرانی دقیقاً به جایگاه و ارزش نیلوفر واقف بوده‌اند. ایرانی‌ها دقیقاً به جایگاه و ارزش نیلوفر واقف بوده‌اند (بخاری قهی، ۱۳۸۸: ۹۵-۹۷).



تصویر ۲: طرح گل نیلوفری ایوان شرقی کاخ آپادانا (منبع: بخاری قهی، ۱۳۸۸).

«گر چه پایه ستون‌ها بسیار زیباست، ولی منظور از آن‌ها زینت و جمال نیست، بلکه نشان دادن گل نیلوفر آبی است که وارونه قرار داده شده است. این خود نمودار حیات بخش است.

نیلوفر در ایران باستان

در فرهنگ ایران باستان، هم گل نیلوفر را در تخت جمشید و در نقش برجسته‌های آن مشاهده می‌کنیم. در حجاری‌های طاق‌بستان کرمانشاه هم، گل نیلوفر مربوط به زمان ساسانیان دیده می‌شود. ظاهراً گلی که در دستان پادشاهان حجاری شده در تخت جمشید دیده می‌شود، نماد صلح و شادی بوده است. از آنجاکه این گل با آب در ارتباط است نماد آناهیتا، ایزد بانوی آب‌های روان است. در اساطیر ایران این گل سمبل ایزد بانوی ناهید است که جای مهمی در آئین‌های ایران باستان به خود اختصاص می‌دهد وی ایزد بانوی آب هست که در نقوش برجسته به صورت زنی جوان حجاری شده است نام این خدا نخستین بار به صورت آناهیتا در کتیبه‌های هخامنشی دیده شده است بنابراین گل نیلوفر آبی را گل آناهیتا به شمار آورده‌اند. نیلوفر با آئین مهری نیز پیوستگی نزدیک می‌یابد. در صحنه زایش مهر، او از درون غنچه نیلوفر متولد گردیده است بنابراین برخلاف اینکه ریشه لوتوس را در آئین بودا پنداشته‌اند به آئین مهر یا میترا لیم که قدمتی بس طولانی تراز آئین بودا دارد مربوط می‌گردد. از آنجائی که این گل مظهر سه خدایی دین هخامنشیان یعنی میترا یا مهر، آناهیتا و اهورامزدا است، بارزترین و زیباترین نقوش آن در تخت جمشید به تصویر کشیده شده است. گل نیلوفر در ایران نیز می‌تواند به زنده نگاه داشتن این نقوش در هنرهای معاصر کمک کند. در ایران باستان، نیلوفر آبی به عنوان نمادی از پاکی، زیبایی و تجدید حیات شناخته می‌شد. این گل به خصوص در متون ادبی و شعر فارسی به عنوان نمادی از عشق و زیبایی به کار می‌رفت. شاعران بزرگ ایرانی مانند حافظ و سعدی در اشعار خود به زیبایی و لطافت نیلوفر اشاره کرده‌اند و آن را به عنوان نمادی از عشق و احساسات عمیق انسانی معرفی کرده‌اند.

تزئینات لوتوس در این دوره به دو صورت به چشم می‌خورد.

- دسته اول به صورت مکمل اصلی بر روی سایر نقوش معماری نظیر جنگ‌افزارها، پوشاک و دردست بزرگان و صاحب‌منصبان به چشم می‌آید.
- دسته دوم به صورت منفرد در جای‌جای آثار معماری هخامنشیان و یا در ترکیب با گیاهان دیگر دیده می‌شود. زیباترین نقش نیلوفر را در هنر معماری ایران، در سرستون پاسارگاد و تخت جمشید می‌توان دید که از جهت عظمت زیبایی و استحکام هنری برجسته‌ترین پدیده معماری ایران محسوب می‌گردد. در تخت جمشید ۲۵ طرح مختلف از لوتوس بسته به کاربردش به تصویر کشیده شده است که به آن‌ها اشاره می‌گردد.

نقش لوتوس در ناخودآگاه انسان و جهان هستی

لوتوس به عنوان نمادی از ارتباط بین انسان و جهان هستی نیز شناخته می‌شود. این گل نشان‌دهنده هماهنگی و تعادل بین عناصر مختلف طبیعت و وجود انسان است. در این زمینه، لوتوس می‌تواند به عنوان نمادی از وحدت و یکپارچگی در جهان مورد توجه قرار گیرد. لوتوس که در ضمیر ناخودآگاه انسان ریشه‌ای عمیق دارد و در درون خود دنیای خدایان و انسان‌ها را احاطه کرده با منشأ زندگی و تخیل آدمی جوش خورده است، بدین معنی که مبین رشته‌های جادویی و روحانی هست که نخستین آدمیان را به جهان می‌پیوندد. نخستین تصاویری که بشر از این گیاه خلق کرده بیانگر حس انتزاعی اوست. نخستین تصاویری که بشر از این گیاه خلق کرده بیانگر حس انتزاعی اوست. از آنجایی که این رمز ریشه در باورهای دینی - مذهبی و اسطوره‌ای دارد باگذشت زمان، تغییر آداب، عقاید و شرایط اجتماعی نه تنها حضورش کم‌رنگ نگردیده بلکه مستحکم‌تر به جلوه‌گری خود ادامه داده و قدرت، صلابت و پایداری‌اش را تثبیت کرده است. در افسانه‌ها و باورهای مردمان کهن چنین آمده است که در ابتدای خلقت، زمانی که خالق تنها در میان آب‌های نخستین قرار داشت، همان‌طوری که متعجب بود که خلقت را از کجا شروع کند، برگ لوتوسی را مشاهده نمود که تنها موجود بود، مقداری از گلی که لوتوس در آن رشد می‌کرد در دست گرفت و بر روی برگ لوتوس قرارداد و سطح زمین به وجود آمد. به این ترتیب نیلوفر سمبل جهان گردید و لایه‌های متعدد گلبرگ‌های آن نمایانگر ادوار مختلف جهان، مقاطع و مراتب گوناگون هستی. در باور آن‌ها هشت گلبرگ نیلوفر نشانه‌ی هشت جهت وجود است که پس از خلقت از قعر آب‌های اولیه ظهور کردند این هشت جهت عبارت‌اند از راست - چپ، جلو - عقب، بالا - پایین، بیرون - درون ظهور نیلوفر از آب‌های اولیه که عاری از هرگونه آلودگی بوده، نشانه خلوص، پاکی و نیروی بالقوه است که از درون آن نیروی مقدس حیات، دانش و معرفت ظهور می‌کند. این گل بیانگر نمادهای مختلف هست که مشترک با عقاید سایر ملل نیز هست به عنوان مثال سمبل باروری، کامیابی، قدرت حاصلخیزی زمین، حمایت از هر موجود زنده، صلح جهانی، زیبایی، تندرستی، مظهر عشق، ریاضت و عبادت هست. نیلوفر با آیین مهری نیز پیوستگی نزدیک می‌یابد. در صحنه زایش مهر، او از درون غنچه نیلوفر متولد گردیده است بنابراین برخلاف اینکه ریشه لوتوس را در آیین بودا پنداشته‌اند به آیین مهر که قدمتی بس طولانی‌تر از آیین بودا دارد مربوط می‌گردد. در دین زرتشت این گل سمبل اهورامزداست. سمبل انسانی اهورامزدا نیم‌تنه مردی است که شاخه‌ای از گل لوتوس را در میان انگشتان خود گرفته است. زرتشتیان بر این باورند که نیلوفر آبی جایگاه نگهداری تخمه یا فر زرتشت بوده که در آب نگهداری می‌شده است.

معنا حلقه گمشده معماری

هنر معنایی پیوندی دو سویه بین دو جهان برقرار می‌کند: این جهان و آنچه در آن است را به جهانی دیگر پیوند می‌دهد. هنرمند با اتصال خود به آن جهان به سرچشمه‌ای پایان نیافتنی دست می‌یابد و خود را از آن سرچشمه سیراب می‌کند. او نمودی از آن چرا که می‌بیند در آثارش متجلی می‌نماید. این پیوند دو سویه در مذاهب یا دینهای الهی وجود

دارد. یکی از مباحث مطرح در هنر و معماری، نقش و اهمیت صورت و معنا در خلق هنری است. در این زمینه دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است، اهمیت نقش معنا در شکل‌گیری فضا و کالبد معماری منجر به رویکردی در طراحی معماری می‌شود که "معناگرایی" نامیده می‌شود. از منظر معناگرایان، معماری، مانند سایر هنرها، فنون و تولیدهای بشر، علاوه بر کالبد ظاهری خویش واجد جنبه‌ای اصیل و حقیقی و معنوی نیز هست که در پاسخ به نیازهای معنوی و مادی هماهنگ با جنبه‌ای روحانی حیات وی طراحی و ساخته شده است. معناگرایی به وسعت حیطه‌های تفکر و فرهنگ بشری گسترده است و محقق معناگرا، می‌تواند از حوزه‌های مختلف معنایی بهره‌گیرد. با بررسی ارکان معماری به بررسی آنها براساس دیدگاه معماران در زمینه معناگرایی پرداخت و نتایج را در جدول زیر گردآورد (عظیم، سیده فاطمه، ۱۳۸۹).

معماری معناگرا

معماری معناگرا به نوعی از معماری اشاره دارد که در آن طراحی فضاها و ساختمان‌ها با تأکید بر معنا، احساسات و تجربیات انسانی انجام می‌شود. این نوع معماری به دنبال ایجاد ارتباط عمیق‌تری بین انسان و محیط ساخته‌شده است و به جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و معنوی زندگی توجه دارد. در معماری معناگرا، هر عنصر طراحی باید دارای معنا و مفهوم خاصی باشد که به تجربه کاربر کمک کند. این معنا می‌تواند از فرهنگ، تاریخ یا نمادهای محلی نشأت بگیرد. این نوع معماری سعی می‌کند با محیط زیست هماهنگ باشد و از منابع محلی استفاده کند. در این نوع معماری، از نمادها و نشانه‌های فرهنگی و معنوی استفاده می‌شود تا ارتباط عمیق‌تری با تاریخ و فرهنگ جامعه برقرار شود. طراحی فضاها به گونه‌ای است که کاربران بتوانند تجربیات متنوعی را در آنها احساس کنند، از جمله آرامش، تفکر، تعامل و ارتباط با دیگران. به‌طور کلی، معماری معناگرا به دنبال ایجاد فضاهایی است که نه تنها زیبا و کارآمد باشند، بلکه به زندگی انسان‌ها معنا و ارزش بیشتری ببخشند.

ارکان معماری با کیفیت و پر معنا در فضای معماری

پیتر زومتور مکان‌ها و بناهایی که یک گوشه امن، یک پناهگاه، یک جای خوب برای زیستن و یک حمایت ناملموس با آنان را می‌دهند را تحسین می‌کند. برای ایشان کیفیت در معماری زمانی حاصل می‌شود که بنا بتواند ایشان را به حرکت درآورد. می‌توان این حرکت و تداوم که منجر به کیفیت در معماری می‌شود را در ارکان معماری از دید داراب دیبا دید. در معیار تداوم و شفافیت، فضایی که مسیر حرکت انسان و یا نگاه او در تداومی پیوسته صورت می‌گیرد. برای یافتن اشتراکات بیشتر به مواردی که درباره خلق معماری دارد، از آمیزش و حضور مصالح گرفته تا پرداختن به تناسبات و اثر نور را می‌توان بررسی کرد.

نمودار ۱: ارکان معماری با کیفیت و پر معنا در فضای معماری از دیدگاه پیتر زومتور



تأثیر ارکان معماری بر معناگرایی براساس دیدگاه معماران

عوامل موثر بر ایجاد معماری با کیفیت و پرمعنا با توجه به مطالب ارائه شده درباره ارکان معماری ازدید معماران به نامی همچون نادر اردلان، داراب دیبا و پیتر زومتور و براساس موارد مشترک عناصر در دیدگاه آنها، می‌توان تأثیر ارکان معماری بر معناگرایی براساس دیدگاه معماران اینگونه نوشت:

جدول ۱: تأثیر ارکان معماری بر معناگرایی (منبع: نگارنده)

ارکان معماری	دیدگاه	اشتراکات در دیدگاه
شکل یا کالبد	* دیبا: کالبد پوسته ظاهری صرفاً، پوششی مجازی محافظ حقیقت * اردلان: بوجود آمدن از تعیین حدود فضای ساختار بندی شده * زومتور: حضور مادی چیزها در یک کار معماری قاب و چهارچوب	شکل یک قاب و پوسته ظاهری است که فضا را ساختار بندی می‌کند.
فضا	* دیبا: جوهر فضا در باطن است و حیات درونی بوجود آورنده اساس فضا است * اردلان: ازلی، نافذ، و در جهان شناسی اسلامی «مکان» روح جهانی * زومتور: پیوند انسانها با مکان ها از طریق مکانها با فضاها بر سکنی گزیدن استوار است	حداکثر نیروهای ذاتی شکل ها را به فعل در آورد و پیوندی با روح جهانی و حیات درونی دارد.
درونگرایی	* دیبا: ارزش واقعی به جوهر و هسته باطنی * اردلان: ----- * زومتور: هسته سخت زیبایی همان ذات فشرده درون چیزهاست که تلاشمان کشف و آشکار سازی است	توجه به ارزش واقعی و ذات درون چیزها منجر به خلق معنا کی‌شود.
نور	* دیبا: نور و اجزا طبیعت، تمثیلی از بهشت * اردلان: نور، به مجرد عینیت یافتن، به سرچشمه ی وجود بدل می گردد * زومتور: نور بسیار پرتحرک و هیجان آور، و چیزی روحانی و ماواریی *	نور سرچشمه وجودی است که علاوه بر بعد روحانی، نیروبخش نیز می‌باشد
ماده	* دیبا: با ساده ترین عناصر و مواد با ترکیب آنها آثاری به وجود می‌آید که انسان را به تفکر وا می‌دارد * اردلان: چهار حالت تجلی در ماده: آب، باد، خاک، آتش * زومتور: مواد بی انتها هستند.	خاصیت بی انتهای مواد باعث تفکر و خلق معنا و مفهوم. عناصری ساده در عین حال پیچیده

تحلیل داده‌ها

پس از بررسی مبانی نظری و رسیدن به متغیرهای پژوهش با استفاده از روش پژوهش و بررسی مقالات و کتاب‌های مختلف؛ شناخت فاکتورهای اصلی و تاثیرگذار پژوهش از مهمترین بخش پژوهش به حساب می‌آید. و متغیرهای اصلی پژوهش؛ لوتوس و معماری معناگرا را می‌توان نام برد.

نیلوفر آبی به‌عنوان نمادی از پاکی، تجدید حیات و زیبایی در فرهنگ‌های مختلف شناخته می‌شود. این نماد در طراحی فضاهای مذهبی و معنوی به کار می‌رود و به ایجاد حس آرامش و تأمل کمک می‌کند. ر معابد هندو و بودایی، نیلوفر آبی به‌عنوان یک عنصر طراحی مهم به کار می‌رود. تزئینات نیلوفر آبی در این فضاها به‌عنوان نمادی از نور و پاکی، زائران را به تأمل و عبادت دعوت می‌کند. نیلوفر آبی به‌عنوان یک عنصر زیبایی‌شناختی، حس صلح و سکوت را در فضاهای عمومی و مذهبی ایجاد می‌کند. این گل به کاربران فضاها کمک می‌کند تا به تأمل و تفکر بپردازند و تجربه‌ای معنوی را احساس کنند. در باغ‌های سنتی، نیلوفر آبی به‌عنوان یک عنصر آرامش‌بخش و زیبا به کار می‌رود. این گل در حوض‌ها و آب‌نماها قرار می‌گیرد و به ایجاد فضایی دلنشین و معنوی کمک می‌کند. نیلوفر آبی به‌عنوان یک نماد فرهنگی، هویت و تاریخ فرهنگی جوامع را نمایان می‌سازد. این گل در هنر و ادبیات نیز به‌عنوان نمادی از زیبایی و عشق به کار می‌رود. به‌طور کلی، نیلوفر آبی در معماری معناگرا به‌عنوان یک عنصر کلیدی در طراحی فضاهای معنوی و آرامش‌بخش شناخته می‌شود و تأثیر عمیقی بر تجربه فضایی کاربران دارد.

در معماری معناگرا، نیلوفر آبی به‌عنوان نماد معنوی و عنصر طراحی در فضاهای مذهبی و معابد به کار می‌رود و فضایی آرام ایجاد می‌کند. این گل در معابد هندو و بودایی به‌عنوان نمادی از الهه‌ها و موجودات مقدس دیده می‌شود. نیلوفر آبی، که از تمدن مصر به دنیای باستان شرق منتقل شده، در هنر و اسطوره‌شناسی مشرق زمین تکرار شده و در بسیاری از کشورهای آسیایی به‌عنوان سمبل شناخته می‌شود. ایرانیان این گل را نماد خورشید، کمال، زیبایی و باروری می‌دانند و در آثار تاریخی مانند تخت جمشید و طاق‌بستان مشاهده می‌شود. گل نیلوفر یکی از شاخص‌ترین نمادهای گیاهی و باستانی است و از جمله نمادهایی است که از تمدن مصر وارد دنیای باستان شرق از جمله ایران شده است. مطالعه نقوش گل نیلوفر آبی در کنار مفاهیم نمادین آن حائز اهمیت است. در میان این نمادهای گل مانند نشانه‌ای وجود دارد که به‌طور پیوسته در کل هنر و اسطوره‌شناسی مشرق زمین تکرار شده است، این گل، نیلوفر آبی، لوتوس یا سوسن شرقی هست و در اغلب کشورهای آسیایی به‌عنوان سمبل و نماد همگانی مطرح گردیده است. ایرانیان گل نیلوفر را نماد خورشید، کمال، زیبایی و باروری می‌دانند. این گل در نگاره‌های تخت جمشید تا طاق‌بستان دیده شده است. نیلوفر آبی از زمره گیاهانی است که در آیین و ادیان مختلف توجه بسیاری را به خود معطوف کرده است. در بین اساطیر ایرانی نیلوفر آبی نماد آناهیتا است. به‌طور کلی هر آنچه با آب در ارتباط باشد، می‌تواند نمادی از آناهیتا ایزد بانوی آب در باور ایرانیان به حساب آید. به‌طوری‌که ایرانیان گل نیلوفر آبی را گل ناهید نیز می‌نامند و ناهید تصور اصلی مادینه هستی در روایات دینی ایران قدیم بوده است. در بندهشن نیز گل نیلوفر آبی نماد آبان ایزد آب‌ها معرفی شده است. گل نیلوفر در اعتقادات ادیانی چون زرتشت و مهرپرستی رخنه کرده است و از لحاظ مذهب نماینده انسان به کمال رسیده می‌باشد

نتیجه‌گیری:

نتایج حاصل نشان می‌دهد که وجود مفاهیم والایی چون پاکی، خلوص و نیروی مقدس حیات، دانش و معرفت در بطن این گیاهان سبب استفاده از آن‌ها در معماری شده و این ویژگی به‌طور مشترک در معماری هر دو دوره وجود دارد. نیلوفر آبی به‌عنوان عنصری کلیدی در معماری معناگرای کشورهای شرق، نقشی فراتر از تزئینات ظاهری ایفا می‌کند. این نماد با

مفاهیم عمیق معنوی خود، به غنای فرهنگی و معنوی فضاهای معماری این کشورها کمک شایانی کرده است. این گل زیبا نه تنها به‌عنوان یک عنصر طراحی، بلکه به‌عنوان نمادی از پاکی و روشنایی در فضاهای معماری به کار می‌رود. با توجه به اهمیت نیلوفر آبی در فرهنگ‌های مختلف، می‌توان نتیجه گرفت که این نماد به‌عنوان یک عنصر کلیدی در طراحی فضاهای معنوی و آرامش‌بخش در معماری شرق محسوب می‌شود.

منابع

- ۱- حیدرنتاج، وحید، و مقصودی، میترا. (۱۳۹۸). مقایسه‌ی تطبیقی مضامین مشترک گیاهان مقدس در نقش‌مایه‌های گیاهی معماری پیش از اسلام ایران و آرایه‌های معماری دوران اسلامی (با تأکید بر دوره‌ی امویان و عباسیان). باغ نظر، ۱۶(۷۱)، ۳۵-۵۰.
- ۲- صالحی مرده نظری، فائزه. (۱۳۸۹). گل نیلوفر آبی در مکتب نقاشی گورکانی. نقش‌مایه، ۳(۵)، ۵۳-۶۰.
- ۳- یا حقی، محمد جعفر، (۱۳۸۹) فرهنگ اساطیر و داستان واره‌ها در ادبیاتی فارسی. چاپ سوم. تهران: نشر معاصر.
- ۴- غلامپوردری، فاطمه، و علی اسماعیلی، عبدالله. (۱۳۹۹). نمادینگی نیلوفر آبی، مضمون مشترک در پهنه‌ی جغرافیای فرهنگی عصر هخامنشی و ساسانی. مطالعات زبان فارسی (شفای دل)، ۳(۵)، ۱۶۹-۱۸۷.
- ۵- محمودی زیرابی، رومینا، و معقولی، نادیا. (۱۴۰۰). مطالعه نقوش برجسته گیاهان اسطوره‌ای در گچ‌بری دوره‌ی ساسانیان با تمرکز بر کاخ تیسفون. کنفرانس بین‌المللی زبان، ادبیات، تاریخ و تمدن.
- ۶- فرقدان، عاطفه، و هوشیار، مهران. (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی مفاهیم گل نیلوفر آبی در ایران، هند و مصر. نقش‌مایه، ۳(۶)، ۴۹-۵۸.
- ۷- حسن‌پور، شهلا، کامرانی، فراه‌احمد (۱۳۹۶)، نقش گل نیلوفر در ایران باستان، نقش گل نیلوفر در ایران باستان
- ۸- رضی، هاشم، (۱۳۷۱)، آئین مهر، چاپ اول، تهران، بهجت
- ۹- گرگوریچ الکونین، والدیمیر، (۱۳۵۰). تمدن ایران ساسانی، ترجمه اهل رضا، چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۰- کوپر، جی. سی (۱۳۸۶). فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه کرباسیان، چاپ دوم، تهران: فرهنگ نشر نو
- هال، جیمز، (۱۳۸۹). فرهنگ‌نگارهای نماد در هنر شرق و غرب، ترجمه بهزادی، چاپ چهارم، تهران: فرهنگ معاصر
- ۱۱- گربران، آلن، شووالیه، ژان، - م. (۱۳۸۵). فرهنگ نمادها: اساطیر، رویاها، رسوم و.../ ژان شووالیه، آلن گربران؛ ترجمه و تحقیق سودابه فضایی؛ ویراستار علیرضا سیداحمدیان
- ۱۲- مقدم، محمد، (۱۳۸۸)، جستار درباره مهر و ناهید، تهران: هیرمند.

- ۱۳- شفیعی، طاهره، نیلوفر آبی و اسطوره‌هایش . (۱۳۹۹). برگرفته از <https://B2n.ir/a04898>
- ۱۴- غلامپور درزی، فاطمه، علی اسماعیلی، عبدالله. (۱۳۹۹). نمادینگی نیلوفر آبی، مضمون مشترک در پهنه جغرافیای فرهنگی عصر هخامنشی و ساسانی. مطالعات زبان فارسی
- ۱۵- عظیم، سیده فاطمه (۱۳۸۹). انعکاس معانی منبعث از جهان بینی اسلامی در طراحی معماری، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی.
- ۱۶- زومتور، پیتر (۱۳۹۴). رهیافت پدیدارشناسی در اندیشه زومتور.

17- Palczewski, Catherine, and Ice, Richard, and Fritch, John, (2012), Rhetoric in Civic Life. Pennsylvania: Strata Publishing, Inc.

18- Womack, Mari, (2005), Symbols and Meaning: A Concise Introduction, California: AltaMira Press.